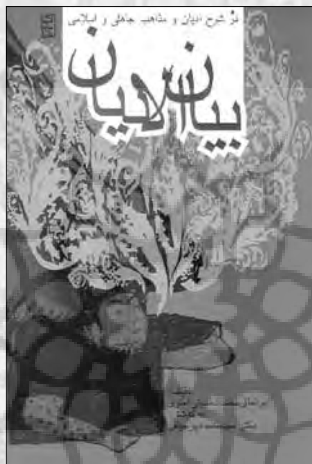


بیان الادیان

(در شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی)

○ فریدون شایسته



- بیان الادیان (در شرح ادیان و مذاهب جاهلی و اسلامی)
- تألیف: ابوالمعالی محمدالحسینی العلوی
- به کوشش: سیدمحمد دبیرسیاقی
- ناشر: انتشارات روزنه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶، ۱۳۱ ص

مذهب ایشان آن است که گویند همه خیرها از خدا هست و همه شرها از شیطان است... هر روز سه بار آفتاب را سجده کنند به وقت طعام خوردن سخن نگویند و خویشان را نکاح روا دارند - چون مادر و خواهر و دختر و... مردگان را به گور نهند بلکه به هوا دهند». (صص ۳۱-۳۲)

دکتر مشکور از نمازهای پنجگانه زردشتیها سخن گفته و از نحوه دفن مردگان همانند مؤلف کتاب یاد کرده

است.^۵ نوشته علوی مبنی بر ازدواج زردشتیها با محارم نوشته منحصر به فردی است که در هیچ منبعی از آن سخن نرفته است. اگرچه این گونه تهمت‌ها بر پیروان مذهب مزدکی به فراوانی در منابع آمده است و بیان الادیان نیز یکی از آن منابع می‌باشد. صاحب بیان الادیان در ذیل مذهب مزدکی می‌نویسد: «... طریق‌های زردشت را بعضی بگردانید و اموال و فروج بر خلق مباح کرد و مذهب او آن بود که این مال و نعمت در اصل همه خلق را بوده است تا نوشروان با او مناظره کرد و او را به حجت مالید و بکشت». (ص ۳۲)

سخن وی حاوی بیان یک واقعیت و یک تهمت است که در فوق بدان اشاره رفت. تحلیل شادروان دکتر مشکور درباره ماهیت قیام مزدک و اندیشه‌های نامبرده خواندنی است: «... مورخان که بر موضوع اشتراک زن در دین مزدک تکیه کرده‌اند، کمتر از اشتراک حاکمیت مردم در دین او سخن گفته‌اند در صورتی که اصل سخن مزدک و جوهر انقلاب او در اشتراک مالکیت بوده که از فکر حکومت اشتراکی و شرکت همگان در حاکمیت ملی سرچشمه گرفته بوده است و شاید همین جنبه بشردوستی مزدک است که محمد اقبال لاهوری شاعر پارسی‌گوی و فیلسوف پاکستانی او را پیغمبر مردم‌گرای ایران باستان نامیده است.»^۶

حکیم فردوسی در دو بیت از ماهیت نهضت مزدک چنین پرده برمی‌دارد:
«چرا مال عالم همه مردمان

به شرکت ندارند پیر و جوان

که جمعی ز مردم بود پر ز مال

و جمعی بود روز و شب در ملال»^۷

کتاب بیان الادیان در سال ۴۸۵ هـ. ق توسط ابوالمعالی محمدالحسینی العلوی نوشته شده است. این کتاب مشتمل بر پنج باب می‌باشد که چهار باب اول توسط استاد عباس اقبال آشتیانی، و باب پنجم توسط استاد محمدتقی دانش‌پژوه تصحیح شده است. کتاب به اهتمام آقای سیدمحمد دبیرسیاقی و از سوی انتشارات روزنه در بهار ۱۳۷۶ برای بار اول به چاپ رسیده است.

در باب اول مؤلف از اعتقادات فارسیان، فلاسفه رومیان، مصریان، حبشیان، ترکان، هندیان و زنگیان و نیز درباره خالق جهان به اختصار سخن گفته است.

مؤلف در باب دوم ضمن شرح اعتقادات اعراب درباره بت‌ها، از اعتقادات دهری آنان هم یاد کرده و به استناد آیه ۲۴ سوره جاثیه برخی از اعراب را دهریون یا مادیون می‌نامد.^۱

نویسنده هشت نفر را نام می‌برد که به نظر وی قبل از ظهور آئین اسلام، بر دین مسلمانی بوده‌اند شاید مؤلف خواسته آنان را پیرو آیین ابراهیم (ع) بنامد. استاد فقید دکتر مشکور چهار نفر از همان افراد را به عنوان پیروان مذهب (حنفاء) آیین ابراهیم (ع) معرفی کرده است.^۲

حسینی علوی در ذیل مذهب جهودان، آورده است: «جهودان متفقند بر آن که صانع یکی است و... عیسی و محمد مصطفی (علیهم‌السلام) را منکرند.» (صص ۲۸-۲۹) مرحوم مشکور هم بهودیان را معتقد به خدای یکتا دانسته است.^۳

مؤلف در معرفی آیین نسطوری می‌نویسد: «ایشان منسوبند به مردی که او را نسطوریوس نام بود گویند پسر از پدر به وجود آمد نه بر سیل تناسل و توالد، بر سیل نور از آفتاب چنانکه هرگز آفتاب بی‌نور نباشد مسیح هم اله و هم آدمی است.» (ص ۳۰) دکتر مشکور همانند مؤلف کتاب می‌نویسد: «آنان قایل به دو طبیعت لاهوتی و ناسوتی در مسیح هستند.»^۴

نویسنده بیان الادیان در توضیح مذهب مغان می‌نویسد: «در اخبار می‌آید که پیغمبر علیه‌السلام فرمود: با مجوس همانند اهل کتاب رفتار کنید... و

علوی دربارهٔ مذهب مانی نوشته است: «... یکساله جامه دارند و یک روزه قوت، باقی بر خویش حرام دانند و هفت یک از عمر خویش روزه دارند و چهار نماز کنند و... مانی را خاتم النبیین گویند.» (ص ۳۳).

دکتر مشکور در کتاب خلاصهٔ ادیان از پنج طبقهٔ مذهب مانی یاد کرده و

می‌نویسد: «گروه طبقه چهارم یعنی ویزیدگان یا برگزیدگان نمی‌توانستند بیش از طعام یک روز و جامه برای یکسال داشته باشند مانویان در نماز دوازده بار به سجده می‌افتادند و نماز را رو به آفتاب و ماه می‌گزارند هفت روز در هر ماه روزه می‌گرفتند».

مؤلف در ادامه مطالب دربارهٔ مذهب صابئین و اعتقادات پیروان آن چنین می‌نویسد: «... و هر روز سه بار نماز کرده‌اند، نماز بامداد - پیشین و شبانگاه، روزهٔ ایشان هر سالی سی روز است تمام لیکن پراکنده. در ایام روزه گوشت نخورند و هر ماه چهار قربان کنند به نام ستارگان از خروس و خون آن خروس در گور کنند و پر و استخوانش بسوزند گوشت شتر، درآج و کبوتر نخورند و ماهی نخورند - و عقوبت بر گناه ارواح روا بینند.» (صص ۳۶-۳۷)

دکتر مشکور همانند علوی از نمازهای سه گانه آنها در هر روز یاد کرده ولی برخلاف مؤلف بیان‌الادیان بر این اعتقاد است که در مذهب صابئین روزه داشتن مانند دین زردشت ممنوع است. در تأیید علوی که معتقد است صابئین از خوردن گوشت شتر احتراز می‌ورزند مشکور از امتناع آنها از خوردن گوشت هر حیوانی که دم داشته باشد سخن گفته و خوراک‌های گوشت‌دار صابئین را به رغم نوشته صاحب بیان‌الادیان غالباً منحصر به گوسفند، مرغ، ماهی و مرغان هوا دانسته است.^۱

مؤلف بیان‌الادیان در ذیل عنوان «معتزله» می‌نویسد: «عذاب گور را منکرند و سؤال منکر و نکیر را و گویند خداوند بهشت و دوزخ هنوز نیافریده، آن روز - قیامت - آفریند و گروهی از ایشان به تفضیل علی کرم‌الله وجهه بر دیگران بگویند و هفت فرقه‌اند.» (ص ۴۸)

علوی در بیان‌الادیان از هفت گروه معتزله نام برده است (ص ۴۹) درحالی که دکتر ولوی از پانزده فرقه معتزله یاد می‌کند.^۲

دکتر ولوی در مورد اعتقاد پیروان گروه هاشمیه از معتزله دربارهٔ بهشت و دوزخ می‌نویسد: «هشام نظر داده است که بهشت و دوزخ در حال حاضر موجود نیست چرا که خداوند کار عبث نمی‌کند بهشت و دوزخی که خالی از افراد باشد چه سودی دارد؟»^۳

نویسنده در معرفی «فرقهٔ کیسانیه» می‌نویسد: «اصحاب کیسان که مولای علی بن ابی‌طالب کرم‌الله وجهه بود و مذهب ایشان آن است که امامت پس از حسن و حسین به محمدبن علی بازگشت، آن که ابن‌الحنفیه‌اش خوانند از آن چه مادر او را حنفیه نام بود و گویند او زنده است که هرگز نمیرد و در شعب رضوی است پنجاه تا وقت بیرون آمد بیرون آید و جهان را بگیرد و به عدل آباد کند و چهار فرقه‌اند» (ص ۵۱).

نوشته‌های علوی دربارهٔ فرقه خوارج می‌تواند یکی دیگر از خواندنی‌ترین قسمت‌های کتاب بیان‌الادیان باشد. فرازهایی از این نوشته در پی می‌آید: «ابتدای مذهب خوارج و پیدا آمدن ایشان از گاه حرب صفین بود و مدت حرب با آنان دراز بود و مسبب دراز کشیدن حرب آن بود که به حرب ایشان - خوارج - هرگز ابتدا نکردی و چون ایشان از حرب بازگشتندی او نیز یاران را از حرب ایشان بازداشتی» (ص ۶۰). مؤلف در ادامه، علی(ع) را از اعلان جنگ با خوارج

در کتاب «بیان‌الادیان»

نویسنده در پنج باب به معرفی و بررسی

اعتقادات و مذاهب اقوام و ملل مختلف پرداخته است،

اعتقادات و مذاهب جاهلی و الهی هر کدام به نوبهٔ خود از

سوی نویسنده مورد توجه قرار گرفته است

ناگزیر دانسته و در این باره می‌نویسد: «... علی(ع) احتمال می‌کرد - و هر روز ایشان - خوارج - را پند می‌داد و سود نمی‌داشت تا روزی او را خبر دادند که دو تن با دو زن و دو خر بدیشان برگزشتند ایشان را بگیرفتند و از مذهب ایشان پرسیدند یکی گفت او ترساست و این زن اوست او را و زن او را بگذاشتند تا برفت و تعرض

نکردند و آن دیگر را گفت مسلمانم بگشتند و زن او را نیز بگشتند و فرزند که آن زن داشت در شکم هم هلاک کردند چون آن خبر به امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه رسید گفت در این کار نشاید توقف کردن، بر نشست و روی به حرب ایشان نهاد... و به حرب آنان ابتدا کردند.» (ص ۶۴).

باب پنجم که آخرین بخش کتاب است به ذکر احوال هفده تن اختصاص دارد که هر کدام دعوی نبوت داشته‌اند. اسامی عده‌ای از آنان به عنوان پیامبران دروغین در منابع مختلف آمده است. از میان این هفده تن نوشته‌های علوی دربارهٔ شخصیت و افکار مختارین ابو عبید ثقفی از این قرار است: «مختار در اصل هیچ مذهب نداشت که بر آن اعتماد بودی و کس به طریقه و مذهب او واقف نبود. اول از جمله خوارج بود باز دعوی رفض کرد و خلق را به امام محمد حنفیه خواند باز دعوی پیغمبری نمود و علم وحی.

بعد از قیام عبدالله بن زبیر پنج ماه نزد او ماند و چشم داشت که او را ولایتی دهد چنانکه وعده کرده بود، چون آن وعده وفا نیافت برخاسته به کوفه آمد و به مردمان کوفه چنان نمود که او رسول محمد حنفیه است و نام او داعی کرده است که خون حضرت امام حسین(ع) طلب کند و شیعهٔ اهل بیت را مجتمع ساخت و به هر جا می‌رفت خلق را دعوت می‌کرد تا جمعی او را اجابت کردند.» (صص ۷۱-۷۲).

علوی از قیام مختار چنین نتیجه می‌گیرد: «حاصل که از مختار کاری در باب دین سرزد، غیر از آن که ایزد تعالی خواست که کشندگان حضرت امام حسین(ع) به دست او کشته شوند و...» (ص ۷۲)

آخرین قسمتی که به کتاب بیان‌الادیان افزوده شده به عنوان حواشی بیان‌الادیان از مرحوم اقبال آشتیانی است که به توضیح الفاظ و واژه‌های متن کتاب اختصاص دارد و بیانگر دقت و وسواس بی‌مانند آن مصحح سترگ در روشن ساختن ابهامات کتاب می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مشکور، محمدجواد: خلاصهٔ ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، انتشارات شرق، چاپ دوم، ۱۳۶۲، صص ۲۷۵-۲۷۶.
۲. همان، صص ۲۸۲-۲۸۳.
۳. همان، ص ۱۴۲.
۴. همان، ص ۱۸۴.
۵. همان، صص ۱۰۷-۱۰۸.
۶. همان، ص ۲۵۷.
۷. قاسمی، ابوالفضل: تاریخ الیگارشلی در ایران (از گنوماتا تا تاکودتا)، انتشارات ققنوس، چاپ اول ۱۳۵۷، ص ۸۳.
۸. مشکور، محمد جواد: همان، صص ۲۴۵-۲۴۶.
۹. همان، صص ۲۲۷-۲۲۸؛ یا حسینی، سیدقاسم: صابئین موحیدین از یاد رفته، کیهان فرهنگی، سال ششم، مهر ۱۳۶۸، شماره ۷، صص ۵۲-۵۳.
۱۰. ولوی، علی محمد: تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، جلد دوم، انتشارات بعثت، چاپ ۱۳۶۷، صص ۳۹۶-۴۴۱.
۱۱. همان، ص ۴۲۶.